

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفته‌ها

در قانون آیین دادرسی کیفری

دادگاه کیفری دو

(دکترین و رویه قضایی)

جلد یازدهم

تدوین:

موسی رحیمی

محمد مهدی مخبریان نژاد

رضا رحیمی دهسوری

انتشارات چتر دانش

عنوان قراردادی	ایران. قوانین و احکام Iran, Laws, etc.
عنوان و نام پدیدآور	دادگاه کیفری دو (دکترین و رویه قضایی)/
مشخصات نشر	تدوین موسی رحیمی، محمدمهدی مخبریان‌نژاد، رضا رحیمی دهنسوری.
مشخصات ظاهری	تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
فروست	۱۳۹ ص: ۵/۲×۵/۱۴؛ ۵/۲ س.م.
شابک	گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری؛ ج. ۱۱.
وضعیت فهرست نویسی	دوره ۲-۵۱۳-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸-۹؛ ۹-۵۲۷-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸:
یادداشت	فیبا
یادداشت	عنوان دیگر: گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه کیفری دو (دکترین و رویه قضایی).
عنوان دیگر	کتابنامه: ص. ۱۳۱-۱۳۹.
موضوع	گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه کیفری دو (دکترین و رویه قضایی).
	آیین دادرسی جزایی — ایران Criminal procedure — Iran
	حقوق جزا — ایران Criminal law — Iran
	دادگاه‌های جزایی — ایران Criminal courts — Iran
شناسه افزوده	رحیمی، موسی، ۱۳۴۸ -
شناسه افزوده	مخبریان‌نژاد، محمدمهدی، ۱۳۶۵ -
شناسه افزوده	رحیمی دهنسوری، رضا، ۱۳۶۶ -
شناسه افزوده	گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری؛ ج. [۱۱].
رده بندی کنگره	۴۶۰۴: KMH
رده بندی دیویی	۵۵۰۵/۳۴۵:
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۶۹۸۴۷:
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیبا

نام کتاب	گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه کیفری دو
ناشر	دکترین و رویه قضایی) جلد یازدهم
تدوین	چتر دانش
نوبت و سال چاپ	موسی رحیمی- محمد مهدی مخبریان‌نژاد- رضا رحیمی دهنسوری
شمارگان	اول- ۱۴۰۱
شابک	۱۰۰۰:
قیمت	۹-۵۲۷-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸:
	۷۰۰۰۰ تومان:

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

پیشگفتار

۴۵ به نام خداوند بخشاینده مهربان

همان به که نیکی بود یادگار	نباشد همی نیک و بد پایدار
نخواهد بدن مر تو را سودمند	همان گنج دینار و کاخ بلند
سخن را چنین خوار مایه مدار	سخن ماند از تو همی یادگار
ز گوهر ورا پایه برتر سزید	سخن را سخن دان ز گوهر گزید
چنان کن که بر داد پویی همی	تو ای آن که گیتی بجویی همی

شاهنامه فردوسی

سلامت و سعادت فرد و جامعه و روح و جسم در گرو کسب رضای خداست^۱ احکام الهی، حدود و مرزهایی است که خداوند مقرر داشته است و اجازه تجاوز^۲ و حتی نزدیک شدن به آن‌ها را نمی‌دهد^۳ یکی از وظایف حکومت برقراری نظم و مجازات تعدی‌کنندگان به حدود الهی است^۴، دستیابی به حقیقت مستلزم جمع آوری دلایل، تحقیق از متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط در فرآیند دادرسی است، به‌گونه‌ای که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد نشود، شرافت آیین دادرسی کیفری از آن‌جهت است که عهده‌دار بیان سازوکارهای رعایت و تضمین عدالت در فرآیند تحقیق، رسیدگی و اجرای حکم است، و اهمیتش به این خاطر است که قوانین جزایی ماهوی را از حالت سکون خارج کرده و با در اختیار قرار دادن ابزار مناسب، مسیر را جهت اجرای عدالت ریل‌گذاری می‌کند.

با توجه به گستردگی منابع مورد نیاز جامعه حقوقی، کتاب حاضر که دفتری از مجموعه ای ۲۰ جلدی است به دادگاه کیفری دو اختصاص یافته است و به

۱. سوره مائده، آیه ۱۶ ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ﴾

۲. سوره بقره، آیه ۲۲۹ ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۷ ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا﴾

۴. سوره صاد، آیه ۲۶ ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾

شرح و تفسیر مواد قانونی مرتبط با دادگاه کیفری دو از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به ترتیب زیر پرداخته است:

- نظریه‌های شورای نگهبان
- دکترین و اندیشه‌های حقوقی
- منابع معتبر فقهی و فتاوی مشهور فقیهان
- آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور
- آرای قضایی شعب دادگاه بدوی و تجدیدنظر و دیوان عالی کشور
- نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه
- نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح
- قوانین و مقررات مرتبط

از اندیشمندان و دانشجویان گرامی تقاضا دارد از طریق نشانی‌های زیر با ارائه پیشنهادها و نظرات نگارندگان را مورد عنایت و لطف قرار داده و یاری رسانند.

موسی رحیمی

MosaRahimi@hotmail.com

مهدی مخبریان نژاد

Mm_mokhberiannejad@yahoo.Com

رضا رحیمی دهنسوری

RezaRahimi127@yahoo.Com

فهرست

- پیشگفتار..... ۴
- فصل اول - تشکیلات و صلاحیت دادگاه کیفری دو..... ۹
- بند ۱- تشکیلات دادگاه کیفری دو..... ۱۰
- بند ۲- صلاحیت دادگاه کیفری دو..... ۱۳
- فصل دوم- ادله اثبات در دادگاه کیفری دو..... ۴۹
- بند ۱- تبیین ادله اثبات..... ۵۰
- بند ۲- تشریفات رسیدگی به ادله اثبات..... ۵۲
- فصل سوم- نحوه رسیدگی در دادگاه کیفری دو..... ۶۷
- بند ۱- کیفیت شروع به رسیدگی در دادگاه کیفری دو..... ۶۸
- الف- جهات شروع به رسیدگی..... ۶۸
- ب- کیفیت ارجاع پرونده ها به شعب..... ۷۰
- پ- کیفیت رسیدگی به طرح شده مستقیم جرائم در دادگاه..... ۷۳
- ت- کیفیت رسیدگی به پرونده های دارای کیفرخواست..... ۸۶
- ث- تشریفات شروع به رسیدگی..... ۹۱
- ۱- تعیین وقت رسیدگی و کیفیت ابلاغ..... ۹۱
- ۲- حق همراه داشتن وکیل..... ۱۰۰
- ۳- حق مطالعه و تهیه تصویر از اوراق پرونده..... ۱۰۳
- ۴- اصل علنی بودن محاکمات..... ۱۰۵

- بند ۲- نحوه رسیدگی در دادگاه کیفری دو..... ۱۰۸
- الف- تشریفات و ترتیب رسیدگی..... ۱۰۸
- ب- قواعد حاکم بر استماع اظهارات در دادگاه..... ۱۱۱
- پ- قواعد حاکم بر روند رسیدگی..... ۱۱۲
- بند ۳- صدور و ابلاغ رای ۱۱۹
- فهرست منابع..... ۱۳۱**



فصل اول – تشکیلات و صلاحیت دادگاه کیفری دو



بند ۱- تشکیلات دادگاه کیفری دو

ماده ۲۹۴- دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود.

در رسیدگی‌های کیفری اولین نکته که باید مورد توجه قرار گیرد، صلاحیت است یعنی این که ابتدا با توجه به نوع جرم، صلاحیت ذاتی دادگاه تعیین شود سپس بررسی شود که از بین دادگاه‌های متعددی که صلاحیت ذاتی دارند، کدام یک شایستگی ویژه برای رسیدگی به جرم ارتكابی را دارد. این نوع شایستگی را صلاحیت محلی یا نسبی می‌نامند (مواد ۱۱۶ تا ۱۱۹ همین قانون) البته گاهی صلاحیت مراجع کیفری به اعتبار سمت اداری- اجتماعی و یا وضعیت خاص شخصی مرتکب، تعیین و مشخص می‌گردد؛ درحقیقت این امر استثنائی به قواعد کلی صلاحیت محلی است که به آن صلاحیت شخصی می‌گویند (مواد ۳۰۷ و ۳۸ این قانون) (ر.ک: آخوندی، آ.د.ک، ج ۲ ص ۴۴۱ تا ۴۶۴).

و نوجوانان به‌عنوان یک دادگاه اختصاصی (نه تخصصی) محسوب می‌شود حال آن‌که پیش‌ازاین صرفاً یک مرجع تخصصی و یکی از شعب دادگاه عمومی قلمداد می‌شد.

در امور کیفری سه نوع صلاحیت داریم: ذاتی، محلی و شخصی. حقوق‌دانان دو نوع دیگر صلاحیت شامل صلاحیت نسبی و صلاحیت اضافی را نیز مطرح کرده‌اند که در بطن همان صلاحیت‌ها نهفته است. منظور از صلاحیت نسبی آن است که هر یک از دادگاه‌ها از حیث میزان مجازات، صلاحیت رسیدگی به کدام جرائم را دارند مانند صلاحیت دادگاه کیفری یک نسبت به دادگاه کیفری دو (مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ این قانون) و منظور از صلاحیت اضافی، توسعه صلاحیت به معنای دادن صلاحیت اضافه به مرجع قضائی است. (ماده ۳۱۱ این قانون) (ر.ک: مصدق، آ.د.ک، ص

۴۲۲). تعیین صلاحیت مرجع قضائی ویژه روحانیت نیز یکی از دادگاه‌های کیفری با صلاحیت رسیدگی به جرائم اشخاص روحانی به شرح مندرج در آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات ۱۳۸۴ است. عدم ذکر دادگاه ویژه روحانیت در ماده فوق به معنای حذف آن از شمار دادگاه‌های کیفری نیست بلکه به لحاظ عدم تعلق تشکیلاتی آن به قوه قضائیه و استناد به موجودیت و صلاحیت آن به آیین‌نامه فوق است. (خالقی، آ.د.ک، صص ۲۸۷ و ۲۸۸).

دادگاه انقلاب که در قانون پیشین قسیم دادگاه‌های عمومی اعم از کیفری و عمومی بود، در ماده بالا از اقسام دادگاه کیفری به شمار آمده، در نتیجه تمامی احکام مذکور در این قانون در مورد دادگاه‌های کیفری از قبیل قابلیت تجدیدنظرخواهی از آراء شامل دادگاه انقلاب نیز می‌شود.

صرف نظر از این که در خصوص تعیین صلاحیت مرجع قضائی در جرائم کلاهبرداری رایانه‌ای و مزاحمت تلفنی به ترتیب، آرای وحدت رویه شماره ۷۲۹ مورخ ۱۳۹۱/۲/۱ و ۷۲۱ مورخ ۹۰/۴/۲۱ صادرشده است، با توجه به ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و مستنبط از مواد ۵۱ الی ۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ (مواد ۳۱۰ تا ۳۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲)، تشخیص صلاحیت هر دادگاه یا مرجع قضایی، با خود آن دادگاه یا مرجع است که باید بر اساس قانون، صورت پذیرد و مطابق قسمت اخیراصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعیین صلاحیت دادگاه‌ها، منوط به حکم قانون است، بنابراین، امکان تعیین یا تغییر صلاحیت مراجع قضائی با صدور بخشنامه، منتفی است. (نظریه ۷/۹۴/۵۵۱-۲/۳/۹۴/۱۳۹۴.ح.ق).

با توجه به صراحت ماده ۵۴ قانون

دادگاه محل خارج است) ماده ۲۷۱ (مرجع صالح جهت حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض) مواد ۲۹۴ تا ۳۱۸ (تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو، یک، اطفال و نوجوانان و...) و مواد ۵۹۷ تا ۶۰۱ (صلاحیت دادرسی و دادگاه نظامی) و مواد ۶۶۴ تا ۶۶۵ در زمینه صلاحیت جرائم رایانه‌ای مراجعه شود.

از قانون اساسی اصل سی و ششم: حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. از قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰: ماده ۱۵: مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه چهار تا هفت محکوم خواهند شد. ۵- رعایت نکردن مقررات مربوط به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی یا محلی.

مجازات اسلامی ۱۳۹۱، لغو «قرار تعلیق اجرای تمام یا قسمتی از مجازات» صرفاً به عهده دادگاهی است که حکم محکومیت قطعی یکی از جرائم موضوع ماده مذکور را که محکوم در مدت تعلیق مرتکب شده است، صادر نموده است، اعم از این که این دادگاه، دادگاه نظامی باشد یا عمومی یا انقلاب و یا در همان حوزه قضائی دادگاه صادرکننده قرار تعلیق مجازات باشد یا در حوزه قضائی دیگر، زیرا دادگاه اخیر با رعایت صلاحیت ذاتی و محلی به جرم ارتكابی در مدت تعلیق رسیدگی می‌کند و به ماهیت جرمی که مجازات آن تعلیق شده وارد نمی‌شود تا منافاتی با صلاحیت ذاتی و محلی داشته باشد. (نظریه ۷/۹۴/۲۵۲-۱۹/۸/۹۴.ح.ق).

قوانین مرتبط: از همین قانون به مواد ۲۲ تا ۲۷ (دادرسی و حدود صلاحیت آن) ماده ۷۸ (اقدامات لازم در مورد جرائم مشهود که رسیدگی به آن‌ها از صلاحیت

ماده ۲۹۵- دادگاه کیفری دو با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل در حوزه قضائی هر شهرستان تشکیل می‌شود.

با توجه به این ماده، دادگاه کیفری دو فقط در شهرستان است لذا در حوزه قضائی بخش این دادگاه تشکیل نمی‌شود. برای شناخت میزان صلاحیت این دادگاه به ماده ۳۰۱ این قانون رجوع شود. این ماده در خصوص قضات دادگاه است و در مورد قضات دادسرا مطابق ماده ۴۲۴ همین قانون باید عمل می‌شود.

به رسیدگی به پرونده‌هایی است که به شعبه تحت تصدی و مدیریت وی ارجاع می‌گردد و رئیس شعبه هر چند عنوان «دادرس» در معنای اعم را دارد ولی «دادرس علی‌البدل» تلقی نمی‌گردد و تفاوت بین «رئیس شعبه» با «دادرس علی‌البدل» در همین امر می‌باشد. (نظریه ۷/۹۴/۲۵۰۸ - ۹۴/۹/۱۷ ا.ح.ق).

رئیس شعبه دادگاه، منحصراً مجاز

بند ۲- صلاحیت دادگاه کیفری دو

ماده ۳۰۱- دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.

می‌توان گفت جرائم زیر در دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌شود: الف- جرائمی که مجازات آن‌ها از نوع مجازات‌های تعزیری درجه چهار تا هشت باشد. ب- جرائم عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه‌ی آن‌ها از نصف دیه‌ی کامل کمتر باشد. ج- کلیه جرائم غیرعمدی

علیه تمامیت جسمانی با هر میزان د- جرائم موجب مجازات حد مگر این‌که موجب سلب حیات، حبس ابد و یا قطع عضو باشد. (ر.ک: مصدق، آ.د.ک، ص ۳۸۰).

چون منظور از صلاحیت ذاتی، شامل نوع دادگاه‌ها یعنی صلاحیت بر اساس عمومی یا اختصاصی بودن

مرجع رسیدگی نیز می‌گردد و با توجه به مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که طی آن، صلاحیت‌های دادگاه‌های کیفری یک و دو به تفکیک بیان شده است و با لحاظ تبصره ۳ ماده ۲۹۶ قانون فوق‌الذکر که دادگاه‌های کیفری استان به دادگاه‌های کیفری یک و دادگاه‌های عمومی جزائی به دادگاه‌های کیفری ۲ تبدیل می‌شوند و نیز توجهاً به ماده ۲۷۱ این قانون که مداخله دادگاه‌های کیفری دو را در حل اختلاف دادستان و بازپرس ناظر برجای می‌داند که دادگاه کیفری یک (صالح به رسیدگی اتهام) در محل، تشکیل نشده باشد، بنابراین صلاحیت دادگاه کیفری یک نسبت به دادگاه‌های کیفری دو ذاتی محسوب می‌گردد. (نظریه ۷/۹۴/۳۴۹-۱۳۹۴/۲/۳۰. ا.ح.ق.) با توجه به صراحت ماده ۱ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰، در تعریف عنوان قاچاق که مختص وارد و صادر کردن اشیاء موصوف در آن ماده است، در این صورت فقط جرم قاچاق مواد مذکور، در دادگاه انقلاب اسلامی قابل رسیدگی است و فی الجمله، سایر عناوین خرید و فروش و نگهداری و حمل این موارد، در صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های عمومی جزائی است و رأی وحدت رویه شماره ۷۲۷ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز مؤید همین معناست. بنابراین رسیدگی به جرم نگهداری سلاح غیرمجاز، در صلاحیت دادگاه جزایی بوده و لذا واخواهی نسبت به رأی غیابی دادگاه مزبور نیز در همان دادگاه صادرکننده حکم غیابی صورت خواهد گرفت، ضمناً قانون قاچاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۹۰، قانون خاص بوده و از شمول احکام مقرر در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ خارج است. (نظریه ۷/۹۴/۳۲۳-۱۳۹۴/۲/۷. ا.ح.ق.)

اولاً با توجه به این که بر اساس ماده

۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری دو دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه نظامی تقسیم می‌شود و به موجب این قانون صلاحیت هر یک از این دادگاه‌ها برای رسیدگی به امور کیفری مشخص شده است و با توجه به این که به موجب ماده ۵۷۰ این قانون موادی از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب از جمله ماده ۱ آن در حدی که مربوط به امور کیفری است نسخ صریح شده است و با عنایت به این که تجویز ارجاع پرونده‌های حقوقی به شعب کیفری دادگاه‌های عمومی و پرونده‌های کیفری به شعب حقوقی این دادگاه‌ها در موارد ضرورت به موجب ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به این علت بود که شعب کیفری و حقوقی هر دو شعبی از دادگاه‌های عمومی بودند اما با اجرای قانون آیین دادرسی کیفری جدید از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ و تشکیل دادگاه‌های کیفری به شرح

فوق‌الذکر صلاحیت دادگاه‌های عمومی حقوقی و دادگاه‌های کیفری از نوع صلاحیت ذاتی می‌باشد، بنابراین ذیل ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز نسخ ضمنی شده است ضمن آنکه بر دادگاه‌های کیفری اعم از کیفری دو و یک و... (شعب جزایی) مذکور در ذیل ماده ۴ یادشده اصولاً قابل اطلاق نمی‌باشد بلکه بر آن‌ها (دادگاه‌های کیفری) اطلاق می‌شود. ثانیاً حدود صلاحیت هر قاضی بر اساس ابلاغ قضائی وی مشخص می‌گردد و چنانچه سمت قضائی قاضی دادرسی دادگاه کیفری دو باشد با توجه به تفاوت صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو با دادگاه‌های عمومی حقوقی ارجاع پرونده مربوط به دادگاه حقوقی به دادرسی مذکور فاقد وجاهت قانونی است. (از نظریه ۷/۹۶۴-۹۵/۴/۲۷. ا.ح.ق.).

در مواردی استثنایی و از باب ضرورت قضات دادگاه اعم از کیفری یا حقوقی مجاز به مداخله در تحقیقات مقدماتی پرونده‌های

ذاتی می‌باشد، بنابراین، ذیل ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز نسخ ضمنی شده است. ضمن آنکه بر دادگاه‌های کیفری، اعم از کیفری دو و یک و... «شعبه جزائی» مذکور در ذیل ماده ۴ یادشده، اصولاً قابل اطلاق نمی‌باشد، بلکه بر آن‌ها «دادگاه کیفری» اطلاق می‌شود. در فرض سؤال نیز دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از آرای شورای حل اختلاف در امور حقوقی را ندارد. (نظریه ۷/۹۴/۲۳۱۹-۷/۹۴/۸/۲۷-۱۳۹۴ ا.ح.ق).

رسیدگی به دعاوی مدنی از جمله استثنائات مقرر از سوی قانون‌گذار بر صلاحیت محاکم جزایی است لذا صرفاً ضرر و زیان مستقیم ناشی از جرم در دادگاه کیفری قابل مطالبه است و سایر ادعاها باید در دادگاه حقوقی مطرح شوند. (ر.ک: مجموعه آرای قضائی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران، بهمن ۱۳۹۱، ص ۷۵).

مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات

مربوط به دادرسی می‌باشند که در تبصره ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ به آن اشاره شده است و در خصوص افرادی که در راستای اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در بازداشت می‌باشند نیز در صورتی که به هیچ وجه دسترسی به قضات دادگاه نباشد در حد ضرورت اقدام قضات دادرسی بلامانع به نظر می‌رسد. (از نظریه ۷/۹۶۴-۷/۹۵/۴/۲۷ ا.ح.ق).

رسیدگی به جرائم موضوع فصل هفتم قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ وفق عموماً آیین دادرسی کیفری و علی‌الاصول در دادگاه عمومی (کیفری) رسیدگی می‌شود، زیرا صلاحیت دادگاه خانواده که امری استثنایی و مستلزم تفسیر به قدر متیقن است، منحصر به موارد ۱۸ گانه مذکور در ماده ۴ قانون یادشده می‌باشد. (از نظریه ۷/۹۳/۲۳۰۵-۷/۹۳/۹/۲۴ ا.ح.ق).

صلاحیت دادگاه‌های عمومی حقوقی و دادگاه‌های کیفری، از نوع صلاحیت

و عرف و سابقه قانون‌گذاری در کشور ما نیز حکایت از صحت چنین استنباطی دارد. بنا به مراتب مذکور، به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، در مواردی که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و بالتیجه صلاحیت دادگاه است. (وحدت رویه شماره ۷۴۴-۱۹/۸/۱۳۹۴ دیوان عالی کشور).

هرچند تجهیزات دریافت از ماهواره طبق تبصره ۴ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوّب ۱۳۹۲/۱۰/۳ از مصادیق کالای ممنوع است، لکن نگهداری آن فی حدّ ذاته اگرچه عملی مجرمانه و مستوجب مجازات است، ولی با توجه به معنای خاص قاچاق به شرحی که در بند الف ماده ۱ قانون مورد اشاره آمده و تمیزی که قانون‌گذار بین عناوین مذکور در قانون یادشده قائل شده است، داخل در عنوان قاچاق نبوده و به همین جهت از حیث صلاحیت دادگاه،

اسلامی، قانون‌گذار هر یک از مجازات‌ها را در درجه‌ای خاص قرار داده که قرار گرفتن هر مجازات در مرتبه‌ای معین درعین حال مبین شدت و ضعف آن کیفر نیز می‌باشد، لکن در هر یک از این درجات نیز کیفرهای غیر متجانس وجود دارد که به لحاظ عدم امکان سنجش آن‌ها با یکدیگر، تشخیص کیفر اشد در بین آن‌ها بعضاً با اشکال مواجه می‌گردد؛ به‌منظور رفع اشکال، تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون یادشده، در مقام بیان قاعده، مقرر می‌دارد... در صورت تعدد مجازات‌ها و عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است...؛ علاوه بر این در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی، از جزای نقدی به‌عنوان «بديل مناسب‌تر» مجازات حبس (در مقام تخفیف و تبدیل آن مجازات) و کیفر جایگزین مجازات حبس که علی‌القاعده ماهیت خفیف‌تر و ملایم‌تری از حبس دارد، استفاده شده است

مشمول حکم مقرر در ماده ۴۴ رویه ۷۵۱-۱۳۹۵/۵/۵ دیوان عالی آن قانون نمی‌باشد. (رای وحدت کشور).

ماده ۳۰۴- به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.

ماده ۳۰۶ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - به جرائم منافی عفت به‌طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود.

تبصره (الحاقی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - منظور از جرائم منافی عفت در این قانون، جرائم جنسی حدی، همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مُضَاجَعَه است.

دادستان تقدیم نماید (ماده ۶۹) و ضابطان نیز پس از اطلاع از وقوع جرم، آن را به دادستان اعلام کنند (ماده ۴۴). تشخیص مصادیق طرح مستقیم پرونده در دادگاه و در نتیجه لزوم یا عدم لزوم انجام تحقیقات مقدماتی در دادسرا، امری تخصصی است که نباید به ضابطان و مراجعان دادگستری واگذار گردد. (خالقی، آ.د.ک، ص ۳۱۴).
با توجه به سیاق ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی جدید کاملاً مشخص می‌شود که مستندات علم

جرائم زیر مستقیماً در دادگاه صالح رسیدگی می‌شوند: الف- جرائم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت (ماده ۳۰۶). ب- جرائم افراد زیر ۱۵ سال (ماده ۲۸۵). ج- جرائم تعزیری هفت و هشت (ماده ۳۴۰). د- جرائمی که در صلاحیت دادگاه عمومی بخش است (ماده ۲۹۹).
منظور از رسیدگی «به‌طور مستقیم»، «مراجعه‌ی مستقیم» شاکی یا ارسال مستقیم گزارش وقوع جرم از سوی ضابطان به دادگاه نیست، بلکه اصولاً شاکی باید شکایت خود را به

طبق بند ت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات زانی به عنف «اعدام» است و نیز مطابق بند الف ماده ۳۰۲ و ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، جرم «زنای به عنف» مستقیماً در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، لذا در هر مورد که عنوان اتهام «زنای به عنف» باشد صرف‌نظر از وجود یا عدم وجود دلایل، انجام تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و صدور رأی در صلاحیت «دادگاه کیفری یک» است و این دادگاه قانوناً مجاز نیست که انجام تحقیقات مقدماتی و کسب دلایل را به «دادگاه کیفری دو» محول کند. دادگاه کیفری یک حتی اگر پس از رسیدگی و ختم دادرسی نیز متوجه شود که اتهام «زنای به عنف» صحیح نبوده بلکه اتهام از نوع اعمال منافی عفت دون زنا به عنف است بازهم بر اساس تبصره ۲ ماده ۳۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مجاز به صدور قرار

قاضی باید بین و روشن بوده و هیچ شکی در آن نباشد. همچنین ملاک علم باید جمع امارات قضائی و شرعی باشد و بینه برای هر جرمی با استناد به راه‌های اثبات آن نوع جرم در نظر گرفته می‌شود و نه صرف وجود یک فیلم یا هرگونه شواهد دیگر! بنابراین به نظر نمی‌رسد در محاکم نیز به صرف وجود یک فیلم، حکم به زانی بودن داده و شخص را محکوم به حد زنا کرد. (سایت دانشگاهی و مسائل حقوقی دانشگاهی رهبری معظم، شماره نامه: ۱۰۰۲۴۶۱۳۱- تاریخ ۹۲/۱۰/۱۹).

علم قاضی، جای بینه و اقرار را نمی‌گیرد و لکن در مورد جرائم غیر از حدود، بینه مختص به شهادت عدلین نیست. چنانچه امر در نزد قاضی واضح باشد (از راه‌های علمی قانوناً و برگرفته از راه‌های اثبات) می‌تواند که بر طبق آن، در غیر اجرا حدود الهی حکم نماید و در اجرا حدود اشکال دارد. (سایت آیت‌الله سیستانی).

طبق ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قوادی عبارت است از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط و به موجب تبصره ۱ این ماده حدّ قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است. در غیر این صورت، عامل مستوجب تعزیر مقرر در ماده ۲۴۴ این قانون است. با توجه به تصریح این ماده و تبصره‌های آن حدّ قوادی در صورتی اجرا می‌شود که زنا یا لواط محقق گردد. یعنی ثبوت زنا یا لواط مقدمه بزه حدّ قوادی است و چون طبق ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به جرائم منافی عفت به‌طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود، پس به اجبار باید برای احراز بزه قوادی پرونده مستقیماً به دادگاه صالح ارسال تا ابتدا نسبت به زنا یا لواط رسیدگی و در صورت احراز، قواد به مجازات حد قوادی محکوم گردد، در غیر این صورت به مجازات تعزیری مذکور در ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی

عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت دادگاه کیفری دو نیست. (نظریه ۷/۹۴/۲۳۹۱-۷/۹۴/۹/۲-۱۹۴/۹/۲.ح.ق.)
ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، شامل دو بخش مختلف است و بخش اول ناظر به «روابط نامشروع» و بخش دوم ناظر به «عمل منافی عفت» است و در موارد موضوع این ماده در خصوص روابط نامشروع، ارتباط فیزیکی بدنی شرط نیست، اما در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی، جرائم منافی عفت با توجه به تعریف مذکور در تبصره این ماده، شامل جرائم جنسی حدی و نیز روابط نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه می‌باشد، بنابراین؛ با لحاظ مثال‌های یادشده، منظور از جرائم رابطه نامشروع تعزیری در ماده ۳۰۶ قانون یادشده، تنها آن دسته از جرائمی است که در آن‌ها رابطه جنسی فیزیکی شرط است. (نظریه ۷/۹۴/۲۰۸۴-۷/۹۴/۲/۲۷.ح.ق.)